

مینورسکی می نویسد:

نسخه بدل: به دوری عیسی از پیوند اشیا، معنی مناسبی دارد؛
اما جناس و تناسب خطی موجود بین عیسی و عیسا بیشتر با
سبک بیان خاقانی موافق به نظر می آید. (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۸۳)

کزازی نیز به درستی می نویسد:

«دوری عیسی از پیوند اشیا» معنایی شگرف نمی تواند داشت
که خاقانی بدان سوگند یاد کند؛ زیرا همه پاکان و نیکان از
آلایش های جهان خاکی و از پیوند و دل بستگی به اشیا به دور
و پیراسته بوده اند؛ و این تنها ویژگی عیسی نیست.
(کزازی، ۱۳۸۹: ۱۸۹)

همچنین تقابل عناصر دو مصراع (مریم در برابر عیسی، و یوسف در
برابر عیسا) حاکی از آن است که واژه پایانی بیت نیز باید نامی
خاص باشد؛ پس ضبط «اشیا» نمی تواند در این ساختار
جایگاهی داشته باشد.

عبدالرسولی (خاقانی، ۱۳۱۶: ۲۵) و کزازی (خاقانی، ۱۳۸۷: ۴۴)
نیز واژه پایانی را «عیسا» ضبط کرده اند. در برهان قاطع و برخی
دیگر از فرهنگ ها، «عیسا» اینگونه معنا شده است:

قرارگاه طفل را گویند در رحم مادر. (برهان، ۱۳۳۳: ۱۳۹۱/۳؛ نیز
رک. رامپوری، ۱۳۶۳: ۶۱۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷: زیر «عیسا»)

اکثر شارحان دیوان خاقانی این معنا را پذیرفته اند (رک. ماهیار،
۱۳۷۶: ۱۲۷؛ برزگر خالقی، ۱۳۹۰: ۱۸۷؛ استعلامی، ۱۳۸۷: ۱۶۲؛
خاقانی، ۱۳۱۶: ۲۵). لیکن دور دانستن عیسی از «رحم مادر»
پذیرفتنی نیست. به همین سبب، برخی «عیسا» را به معنی
«خون و منی» دانسته اند (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۸۳) که آن نیز مستند
به منبعی معتبر نیست. کزازی به درستی متوجه بر ساختگی این
معنا شده است:

معنایی که در فرهنگ ها برای عیسا نوشته اند با زمینه سخن
خاقانی در این بیت سازگار نمی افتد؛ زیرا ویژگی شگرف در
زادن عیسی آن نیست که در زهدان مام پرورده نشده است؛ آن
است که از دوشیزه ای زاده است. [...] به گمان بسیار، این معنا
برای واژه عیسا بر پایه همین بیت پنداشته شده است و در
فرهنگ ها آورده. تنها نمونه ای نیز که از کاربرد واژه به دست
می توان داد، همین بیت است. (کزازی، ۱۳۸۹: ۱۸۹)

وی در ادامه این واژه را اینگونه شرح می دهد:

می انگارم که عیسا در این بیت نام است؛ نام کسی که به باور

یادداشتی درباره دو بیت از خاقانی

یاسر دالوند

دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی
70dalvand@gmail.com

در این جستار کوتاه به شرح و تصحیح دو بیت از ابیات خاقانی
(که شارحان درباره آنها اختلاف نظر دارند) می پردازیم:

۱. به پاکی مریم از تزویج یوسف
به دوری عیسی از پیوند عیسا

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۸)

این بیت در قصیده معروف خاقانی، موسوم به «قصیده
ترساییه»، آمده است. مصراع نخست اشاره به تهمت است
که جهودان به مریم زدند. ماجرا در تاریخ بلعمی اینگونه بیان
شده است:

پس چون جبریل دل مریم خوش کرد، به مریم اندرمدید به
فرمان خدای. مریم از آن باد پاک بار گرفت. [...] جهودان
ایدون گویند که: حدیث جبریل اندر میان نبود؛ چه، خود
یوسف درودگر بود که با مریم جماع کرد. خدای تعالی مریم
را از آن تهمت بری کرد. (طبری، ۱۳۸۶: ۶۷۲)

خاقانی در این مصراع مریم را از این تهمت مبرا دانسته است.
چنانکه دیدیم، معنای این مصراع واضح است، لیکن مصححان
و شارحان دیوان خاقانی درباره ضبط و معنای کلمه «عیسا»
اختلاف نظر دارند. در زیر به برخی از آراء ایشان اشاره می شود.
در یکی از نسخ، به جای «عیسا»، «اشیا» و در نسخه دیگری
«عیسا» ضبط شده است. سجادی در این باره می نویسد:

در [نسخه] ل کلمه عیسا دست خورده و به صورت عیسا در آمده
اما به نظر می آید که در اصل مانند ضبط س: «پیوند اشیا» بوده،
شرح آذری: به پاکی مریم از پیوند اشیا. (خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۸)

شمیسا هر دو وجه فوق را در بیت ناصر خسرو محتمل دانسته است. باری، چنانکه از بیت ناصر خسرو برمی‌آید، عده‌ای عیسی را پسر شعیا دانسته‌اند.^۲ برای درک این مطلب لازم است به شرح و توضیح چند نکته بپردازیم: نخست آنکه «شعیا» - چنانکه اشاره شد - مخفف «اشعیا» است. دیگر آنکه در کتاب اشعیای نبی، باب ۸، آمده است:

و خداوند مرا گفت لوحی بزرگ به جهت خود بگیر و بر آن با قلم انسان برای مهیر شلال حاش بز بنویس * و من شهود امین یعنی اوریای کاهن و زکریا ابن یزکیا [= برخیا. نگارنده] را به جهت خود برای شهادت می‌گیرم * پس من به نبیه نزدیکی کردم و او حامله شد، پسری زاید. آنگاه خداوند به من گفت او را مهیر شلال حاش بز بنام. (کتاب مقدس، ۱۹۳۰ م: ۱۰۱۶)^۳

چنانکه از مطلب فوق برمی‌آید، اشعیای نبی با «نبیه» در آمیخته است، و حاصل آن پسری به نام «مهیر شلال حاش بز»^۴ بوده است؛ وی، بر این پیوند، آریای کاهن و زکریا بن برخیا را به شهادت گرفته است. در قاموس کتاب مقدس دربارهٔ نبیه اینگونه آمده است:

زنان پیغمبران را نبیه می‌گفتند و بعضی زنان دیگر هم مثل مریم، خواهر موسی و هرون. (هاکس، ۱۳۹۴: ۸۷۳)

از آنجاکه پیامبر برای در آمیختن با زن خود نیازی به شاهد نداشته است، در عبارات نقل شده از اشعیای نبی، مراد از «نبیه» همان مریم خواهر هارون و موسی است، و این مریم همان مریم بنت عمران، مادر عیسی، است که برخی او را خواهر هارون می‌دانستند^۵ و در قرآن نیز به این مسأله اشاره شده است:

فَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِيْلَةً قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا

پس، در حالی که او را در آغوش گرفته بود، به نزد قومش آمد. گفتند: ای مریم! به راستی که چیز ناپسندی آورده‌ای. ای خواهر هارون! پدر تو مردی بد، و مادرت زن نابخاری نبود. (مریم، ۲۸)^۶

۲. شعار و احمدنژاد اضافه‌شدن «عیسی» به «شعیا» را به سبب آن دانسته‌اند که شعیا آمدن عیسی را بشارت داده بود (ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۲۸)، لیکن این نظر - چنانکه در ادامه خواهیم دید - نمی‌تواند صحیح باشد.

۳. از استاد، دکتر سیروس شمیسا، سپاسگزارم که مرا در یافتن این عبارات رهنمون بودند و در این باره از نظرات ایشان بسیار بهره بردم.

۴. معنی لغوی آن «عجول بر غنیمت» است (هاکس، ۱۳۹۴: ۸۵۹).

۵. ظاهراً از آن روی که نام پدر موسی و هارون هم «عمران» بود.

۶. در برخی از تفاسیر، هارون برادر مریم را غیر از هارون برادر موسی دانسته‌اند (رک. طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۸/۱۴).

مسلمانان، به جای عیسی بر چلیپا برآورده شد. این نام در پاره‌ای از آبخورها «ایشوع» نوشته شده است. «ایشوع» یا «یشوع» ریختی دیگر از عیسا است؛ به همان سان که در بُختیشوع می‌بینیم که به معنی رهانیده عیسا است: از واژه ایرانی بخت یا بوخت، از ریشهٔ بوختن، به معنی رسته و رستگار + یشوع [۰۰۰]. (همان: ۱۹۰؛ نیز رک. همو، ۱۳۶۸: ۲۴۹)

کزازی عیسا را ریخت دیگر «ایشوع»، و «ایشوع» را ریخت سربانی «عیسی» دانسته است (کزازی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). لیکن، به عقیده نگارنده این سطور، از حیث ساخت لغوی، نمی‌توان «عیسا» را ریخت دیگر «ایشوع» دانست^۱ و چنانکه از ظاهر این دو لغت برمی‌آید، میان آنها (از حیث ساختمان) تفاوت بسیار است. به قرینهٔ بیت زیر از ناصر خسرو:

«صبر از مراد نفس و هوا باید»

این بود قول عیسی شعیا را

(ناصر خسرو، ۱۳۵۳: ۱۶۸)

در بیت خاقانی، «عیسا» گشته «شعیا» است. «شعیا»، که به صورت های «اشعیا» و «یشعیا» و «اشعیا» و «اشعیا» و «سعی» نیز ضبط شده است، نام پیغمبری است از بنی اسرائیل که به آمدن عیسی^۷ و محمد^۸ بشارت داده بود. این پیامبر کتابی مشتمل بر ۶۶ باب دارد دربارهٔ مناجات و نصایح و خوف از باری تعالی، و چون ظهور حضرت مسیح در آن بشارت داده شده است، در بین نصارا بسیار مقبول است و به نام «انجیل اشعیا» شهرت دارد (دربارهٔ وی رک. هاکس، ۱۳۹۴: ۶۹؛ طبری، ۱۳۸۶: ۵۸۱-۵۸۵؛ مجمل التواریخ و القصص، ۱۳۸۹: ۲۱۲؛ دهخدا، ۱۳۷۷: زیر «اشعیا»). در فرهنگ تلمیحات دربارهٔ این پیامبر اینگونه آمده است:

اشعیا یا مخفف آن شعیا اسم یکی از پیامبران بنی اسرائیل است که معاصر کوروش هخامنشی بود. در قاموس کتاب مقدس در مورد او می‌نویسد: «و تواتر بر آن است که او از جمله اشخاصی بود که به واسطهٔ اژه به درجهٔ شهادت واصل شدند» [۰۰۰] بدین ترتیب بین مرگ او و مرگ زکریا شباهت تمامی است و از این رو گاهی بین آن دو خلط کرده‌اند چنانکه در حاشیهٔ دیوان قالی (ص ۱۰۳) آمده است: «شعیا به فتح اول نام دیگری از حضرت زکریا، پیامبر بنی اسرائیل، است» [۰۰۰] بعید نمی‌نماید که برخی [نیز] شعیا را یکی از حواریون عیسی پنداشته باشند. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۵۵)

۱. البته نگارنده واقف است که این دو واژه در اصل از ریشهٔ واحد نشأت گرفته‌اند.

گرفته‌اند. در مصراع دوم دیو شیطان است اما در نقل کلمات دیگر تصحیف یا اشتباهی رخ داده، و معنی روشن به دست نمی‌دهد. با احتمال ضعیف می‌توان گفت که در صورت نقل شده در متن، تَبْر کلمهٔ عربی است به معنی هلاک، و شیطان در لشکرگاه شروان‌شاه هلاک شده (!). (استعلامی، ۱۳۸۷: ۷۱۸)

احتمال پایانی ایشان نادرست است، چرا که در فرهنگ‌ها «تَبْر» به معنی هلاک ضبط شده است، نه «تَبْر» (رک. دهخدا، ۱۳۷۷: زیر «تَبْر»). کزازی بیت را اینگونه ضبط کرده است:

عید ملایک است ز لشکرگه ملک؛
دیوی غلام بوده به در، یا معسکرش
(خاقانی، ۱۳۸۷: ۳۰۵)

مصراع دوم با این ضبط نیز اندکی آشفته است. ایشان در گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی به شرح و تفسیر بیت نپرداخته‌اند. عبدالرسولی نیز بیت را اینگونه ضبط کرده است:

عید ملایک است ز لشکرگه ملک
دیوی غلام بوده به دریا معسکرش
(خاقانی، ۱۳۱۶: ۲۳۱)

که نسبت به دو ضبط پیشین موجه‌تر است. به عقیده نگارنده این سطور، صورت صحیح بیت را می‌توان اینگونه تصوّر کرد:

عید ملایک است ز لشکرگه ملک
دیو غلام [بُرده] به دریا مُعسکرش

مطابق این ضبط، معنا و شرح بیت بدین قرار است: ملایک جشن گرفته‌اند و دیو از برابر لشکرگاه پادشاه گریخته و لشکر خود را به ساحل دریا برده است، یا ملایک در لشکرگه سلطان جشن گرفته‌اند و دیو لشکرگاه به دریا برده و ساحل دریا را لشکرگاه قرار داده است. مطابق این معنا، بیت اشاره‌ای است به این باور که دیو و پری در ساحل دریاها جای گرفته‌اند تا از دید آدمی پنهان باشند. مولوی در اشاره به این باور می‌گوید:

آدمی را زین هنر بیچاره گشت
خلق دریاها و خلق کوه و دشت
زو پلنگ و شیر ترسان همچو موش
زو نهنگ بحر در صفرا و جوش

پس چنانکه دیدیم، بنا به اعتقاد برخی از یهودیان، مریم از اشعیای نبی آبستن شده است و پسری به نام «مَهیْر شلال حاش بز» به دنیا آورده است که در ادوار بعد با صفت «عیسی» و «مسیح» خوانده شده است. از آنجایی که شخصیت اشعیای نبی در برخی متون با زکریّا در آمیخته و محتمل است مراد «زکریابن برخیا» باشد (و نه پیامبر مشهور)، توضیحی کوتاه از قاموس کتاب مقدس دربارهٔ او نقل می‌شود:

زکریابن برخیا که اشعیای نبی او را فی مابین خود و نبیّه شاهد گرفت و نبیّه حامله شده، پسری برای آن حضرت آورد [...] و قول صحیح آن است که او را از بنی آساف می‌دانند. (هاکس، ۱۳۹۴: ۴۴۴)

به هر روی، خاقانی در بیت یادشده عیسی را از پیوند شعیای به دور دانسته و، برخلاف نظر یهودیان، فرزند شعیای نگرفته و بدان سوگند خورده است. شمیسا (۱۳۸۶: ۴۱۳) نیز، در فرهنگ تلمیحات، همین ضبط «شعیای» را درست دانسته است.^۱ باری، این نکته‌ها نشان‌دهندهٔ تبخّر فوق‌العاده خاقانی در درک متون مسیحی، و حاکی از آشنایی او با منابع دست اول آیین مذکور است؛ پس در مواردی که اینگونه می‌سراید:

کنم تفسیر سربانی ز انجیل
بخوانم از خط عبری معما
دیرستان نهم در هیکل روم
کنم آیین مطران را مطرا
کنم در پیش طرسیقوس اعظم
ز روح القدس و ابن و اب مجارا...
(خاقانی، ۱۳۸۷: ۴۲)

خواننده می‌تواند او را در این ادعا مصیب بداند.

۲. عید ملایک است ز لشکرگه ملک
دیو غلام بوده تبر با معسکرش
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۲۶)

مصراع دوم مبهم است. استعلامی در این باره می‌نویسد:

ملایک در لشکرگاه او - یا از مشاهدهٔ لشکرگاه او! - جشن

۱. از آنجاکه محتمل است ناصر خسرو، برخلاف خاقانی، با منابع مسیحی آشنا نبوده باشد، می‌توان بیت او را به این صورت هم خواند:
صبر از مراد نفس و هوا باید این بود قول عیسی، شعیارا

زُو پَری و دیو ساحتها گرفت
هر یکی در جای پنهان، جا گرفت
(مولوی، ۱۳۷۳: ۶۴/۱)

فروزانفر بیت پایانی را ناظر به این روایت طبری می‌داند:

فَأَوْلُ مَنْ سَكَنَ الْأَرْضَ الْجَنُّ فَاَفْسَدُوا فِيهَا وَسَفَكُوا الدَّمَاءَ
وَقَتْلَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا قَالَ فَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِمْ إِبْلِيسَ فِي جُنْدٍ مِنْ
الْمَلَائِكَةِ فَهُمْ هَذَا الْحَيُّ الَّذِي يُقَالُ لَهُمُ الْجِنُّ فَقَاتَلَهُمْ إِبْلِيسُ
وَمَنْ مَعَهُ حَتَّى أَلْحَقَهُمْ بِجَزَائِرِ الْبُحُورِ وَأَطْرَافِ الْجِبَالِ.
(فروزانفر، ۱۳۹۰: ۳۹۶/۲)

این ماجرا در تاریخ بلعمی اینگونه بازگردانی شده است:

[...] پس این گروه جان [= جن] در خدای تعالی عاصی
شدند و فساد کردند و خون ریختند. خدای تعالی مر
فریشتگان آسمان نخستین را بر زمین آورد و ابلیس را بر ایشان
مهتر کرد تا این جان را بهری کشتند و بهری را از آبادانی‌ها
بیرون کردند و به دریاها و جزیره‌ها و بیابان‌ها بردند.
(طبری، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

در بارۀ تصحیح «بوده» به «برده» باید گفت که گرچه با ضبط
«بوده» نیز می‌توان بیت را (با توجه به اشارات یادشده) توجیه کرد،
لیکن ضبط پیشنهادی نگارنده، از حیث معنا و ساختمان
دستوری، به‌سامان‌تر است. تصحیف «ر» به «و» و جابه‌جایی
این دو حرف، در متون فارسی نمونه‌های بسیار دارد. برای مثال:

وقتی که گم^۱ شود ز سر سرکشان خود
روزی که بگسلد ز تن پردلان روان
(ظہیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

«خود» گشته «خِرَد» است (رک. شمس قیس، ۱۳۸۸: ۳۴۷).
نمونه دیگر:

همی‌نبینی از روی تجربت که کمان^۲
چو جفت^۳ گردد ازو دور تو رود پرتاب
(اثیر اخسیکتی، ۱۳۸۹: ۳۵)

«دور تو» گشته «دور تر» است. نمونه‌ای از حافظ:

۱. در المعجم: کم.
۲. متن: گمان.
۳. ظ: جفت.

مطرب از گفته‌ی حافظ غزلی نغز بخوان
تا بگویم که ز عهد طربم یاد آمد
(حافظ، ۱۳۸۷: ۱۸۸)

بیت فوق مطابق ضبط قزوینی است. خانلری بیت را اینگونه
ضبط کرده است:

مطرب از گفته‌ی حافظ غزلی مست بخوان
تا بگریم که ز عهد طربم یاد آمد
(حافظ، ۱۳۶۲: ۳۵۴)

باری با توجه به مطالب فوق، تا زمانی که تصحیح بهتری از بیت
خاقانی ارائه نشده باشد، می‌توان ضبط و شرح پیشنهادی
نگارنده این سطور را پذیرفتنی دانست.

منابع

- قرآن کریم.
- اثیرالدین اخسیکتی (۱۳۸۹). دیوان اثیرالدین اخسیکتی.
تصحیح و تحشیۀ رکن‌الدین همایون فرخ. تهران: اساطیر.
- استعلامی، محمد (۱۳۸۷). نقد و شرح قصاید خاقانی.
تهران: زوآر.
- برزگر خالقی، محمد رضا (۱۳۹۰). شرح دیوان خاقانی.
تهران: زوآر.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۳۳). برهان قاطع.
به تصحیح و حواشی محمد معین. تهران: زوآر.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲). دیوان حافظ. به
تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری. تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۸۷). دیوان حافظ. به تصحیح محمد
قزوینی و قاسم غنی. تهران: اساطیر.
- خاقانی، بدیل‌بن علی (۱۳۱۶). دیوان خاقانی شروانی. به
تصحیح و تحشیۀ علی عبدالرسولی. تهران: شرکت
چاپخانه سعادت.
- _____ (۱۳۸۲). دیوان خاقانی شروانی. به تصحیح
ضیاء‌الدین سجادی. تهران: زوآر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد (۱۳۶۳). غیاث‌اللغات. به
کوشش منصور ثروت. تهران: امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹). دیدار با کعبه‌ی جان [،]
دربارۀ زندگی، آثار و اندیشۀ خاقانی. تهران: سخن.
- شمس قیس رازی (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعارالعجم.

- به تصحیح سیروس شمیسا. تهران: علم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). فرهنگ تلمیحات. تهران: میترا.
 - طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
 - طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۶). تاریخ بلعمی. ترجمه ابوعلی بلعمی. به تصحیح ملک الشعرا بهار و محمد پروین گنابادی. تهران: هرمس.
 - ظهیر فاریابی، طاهر بن محمد (۱۳۸۱). دیوان ظهیرالدین فاریابی. به تصحیح و توضیح امیرحسن یزدگردی. به کوشش اصغر دادبه. تهران: قطره.
 - فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۹۰). شرح مثنوی شریف. تهران: زوآر.
 - کتاب مقدس (۱۹۳۰ م). دارالسلطنه لندن.
 - کزازی، میرجلال الدین (۱۳۶۸). از گونه‌های دیگر. تهران:
- نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۹). سوزن عیسی [۱]. گزارش جامعه ترسای خاقانی. چاپ دوم از ویراست دوم. تبریز: آیدین.
 - ماهیار، عباس (۱۳۷۶). خار خار بند و زندان [۱]. شرح قصیده معروف به ترسایه. تهران: قطره.
 - مجمل التواریخ و القصص. از نویسنده‌های ناشناس. به تصحیح ملک الشعرا بهار. تهران: اساطیر.
 - مولوی، محمد بن محمد (۱۳۷۳). مثنوی معنوی. به تصحیح رینولدالین نیکلسون. تهران: امیرکبیر.
 - ناصر خسرو، ابومعین ناصر بن خسرو (۱۳۵۳). دیوان ناصر خسرو. به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
 - _____ (۱۳۷۸). دیوان حکیم ناصر خسرو. به تصحیح و شرح جعفر شعار و کامل احمدنژاد. تهران: قطره.
 - هاکس، جیمز (۱۳۹۴). قاموس کتاب مقدس. تهران: اساطیر.

این نوشته در دو بخش ترتیب یافته است:

الف. ضبطها (شامل ۸۸ مورد)

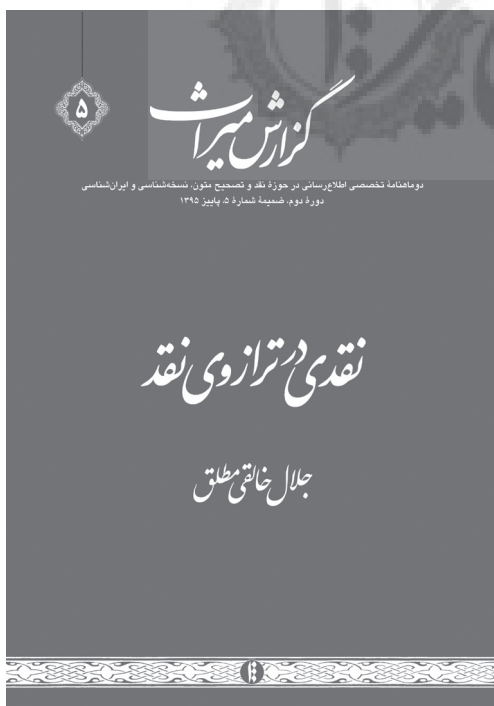
ب. قرائت‌ها و تلفظها (شامل ۵۷ مورد)



ضمیمه‌های گزارش میراث

نقدی در ترازوی نقد

جلال خالقی مطلق



در ضمیمه شماره ۴۰ آینه میراث نقدی به قلم دکتر سجاد آیدنلو بر ویرایش دوم شاهنامه به اهتمام دکتر جلال خالقی مطلق نگاشته شده بود (آینه میراث، ضمیمه شماره ۴۰، معرفی و بررسی دو تصحیح تازه شاهنامه، ویرایش نهایی چاپ مسکو و ویرایش دوم شاهنامه به اهتمام جلال خالقی مطلق). خالقی مطلق در این نگاشته به بررسی ایراداتی که آیدنلو بر متن تصحیح شده او وارد کرده است پرداخته و از میان ۱۳۵ ایراد وارده، ۳۶ مورد را پذیرفته و به دیگر موارد پاسخ گفته است. خالقی مطلق پیش از پاسخ گفتن به ایرادهای وارده بر متن تصحیح شده خود، به تبیین نظر خویش درباره شرایط یک ویرایش مستقل می‌پردازد و برخی از ایرادات شاهنامه چاپ مسکو را برمی‌شمارد.